

فرهنگِ امثالِ مردمِ سنخواست

دکتر - علی اکبرزاده
ابوالقاسم امینی



شابک: ۸-۲۲-۶۷۲۷-۶۲۲-۹۷۸

سرشناسه:	افزوده، هادی، ۱۳۵۷-
عنوان و نام پدیدآور:	فرهنگ امثال و سنخاوست / هادی اکبرزاده، ابوالقاسم امینی؛ ویراستار: محسن صادقی
وضعیت ویراست:	[ویراست ۲]
مشخصات نشر:	مشهد: دست، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری:	۱۴۶ ص: جدول، ۲۱/۵ × ۹/۴
فروست:	سلسله فرهنگهای فارسی؛ مجموعه پژوهشهای زبان‌شناسی و ایرانشناسی؛ ۱۶. 978-622-6727-22-8
شابک:	فیبا
وضعیت فهرست‌نویسی:	۱۴۵-۱۴۶.
یادداشت:	کتابنامه: ص.
موضوع:	ضرب‌المثل‌های ایرانی -- سنخاوست
موضوع:	Proverbs, Iranian -- Sankhast
شناسه افزوده:	امینی، ابوالقاسم، ۱۳۵۷-
شناسه افزوده:	صادقی، محسن، ۱۳۵۸-، ویراستار
رده‌بندی کنگره:	PIR ۳۰۲۴
رده‌بندی دیویی:	۳۹۸/۹۴
شماره کتابشناسی ملی:	۶۱۰۸۳۹۱



فرهنگ امثال مردم سنخواست	
دکتر هادی اکبرزاده	
ابوالقاسم امینی	
زیر نظر علمی: دکتر محسن صادقی	
طراح جلد: فؤاد عبدی	
نوبت چاپ: دوم، بهار ۱۳۹۹	
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه	
قطع: رقعی	
امور فنی و چاپ: مطبعه چاپ سینتا	
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۲۷-۲۲-۸	
قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال	حق چاپ معاف
مشهد، صندوق پستی ۱۳۸۸-۹۱۸۹۵	
تلفن: ۰۹۱۵۳۱۴۸۲۷۷	
تلفن پخش: ۰۹۱۵۳۸۴۰۴۲۰	
پیام‌نگار: dasturpress93@gmail.com	

بهرت مطالب

۹	پیش‌گفتار
۱۴	مدولای نامای همخوان‌ها
۱۵	جاری‌رسانی واژه‌ها
۱۵	نقشه موقعیت جغرافیایی
۱۹	فرهنگ امثال مردم سنخواست
۱۴۵	منابع و مأخذ

امثال و تعبیرات را اصطلاحات رایج در میان هر قوم و ملت یکی از ارکان مهم زبان و ادب آن قوم و نموداری از ذوق و قریحه و صفات روحی و اخلاقی و افکار و تصورات و رسوم و عادات آن ملت است. این امثال در طی هزاران سال در میان اقوام مختلف جهان شکفته و نشر یافته و در هر کشور بر حسب اختصاصات قومی و فرهنگی و آداب و سنن و مذهب و حتی وضع جغرافیایی و سیاسی آن کشور ویژگی‌های خاصی پیدا کرده است.^۱

اغلب امثال در لباس استعاره یا کنایه و یا در قالب کلامی موزون و دلنشین بیان شده است و حاوی اندیشه عمیق و سودمند و یا نصیحتی شدید و طنزآمیز از رفتار و گفتار آدمیان و نابسامانی‌های اخلاقی و وضع غلط جامعه می‌باشد. این امثال را در روزگاران گذشته مردمانی با ذوق و احساس و شوخ طبع و نکته‌سنج و عاشقانه‌مند به تربیت و هدایت خلق ساخته‌اند، مردمی که به سبب عشق به حقیقت و راستی و روان‌ریزکاری یا فساد اخلاقی در جامعه سخت متأثر شده و برای فرونشاندن خشم خرد و مردم نسبت به برخی نابسامانی‌ها یا نجات گمراهان و ستم‌دیدگان و بیداری و تنبّه همزمان حرد، آنچه را که در دل داشته‌اند در قالب عباراتی کوتاه و پرمعنی به نام «مَثَل» آورده‌اند. در طریق هزل و شوخی یا انتقاد و طعن و تمسخر سعی کردند که ما را در راه زندگی بیدار و هوشیار کنند و به ما بیاموزند که وظیفه ما در اجتماع چیست، چگونه باید ناملازمات و دشواری‌ها را تحمل کنیم و در رویارویی با ناکسان و فرومایگان و ابلهان چه روشی را در پیش گیریم، چگونه از اعمال زشت بپرهیزیم، چسان به صفات نیک بگرویم، در کجا

جانب احتیاط را رعایت کنیم و چه کنیم که به دام نیفتیم و در کجا باید روش معقول و مقبول در پیش گیریم تا پشیمان و سرافکنده نشویم، زبان صفات زشت و کردار ناپسند چیست و راه عافیت و سلامت کدام است.^۱

این سخنان کوتاه و سودمند و دلنشین که هر کدام از آنها اندیشه‌ای ژرف و لطیف یا پندی نغز و ظریف در بر دارد به سبب سادگی و روانی و عمق اندیشه در طایفه روزگاران مقبولیت یافته و سرانجام در زبان خاص و عام جاری و ساری گشته و نام «مَثَل» به خود گرفته است.^۲

استفاده از مَثَل در گفتار و نوشتار، کلام گوینده را یا نویسنده را آرایش می‌دهد و از خشک و جمود بیرون می‌آورد، به عبارت دیگر، مَثَل در حکم نمک و تزئین سخن آدمی است و چون از کلام معمولی بیشتر به دل می‌نشیند نه تنها مردم عامی بلکه گویندگان و نویسندگان بزرگ نیز در بسیاری از موارد برای تقویت نیروی استدلال و افزایش تأثیر انفعالی سخن خویش، امثال مختلف استشهد می‌کنند. به این طریق، کلام آنها کمال و جمال بیشتری پیدا می‌کند و جذاب و حاذب‌تر می‌شود و در حقیقت، امثال سایرین در هر زبان نمک و چاشنی آن زبان است. به مصداق سخن سنایی شاعر قرن پنجم و ششم هجری: «بی نمک هیچ دیگی خوش نیاید»^۳

شعرا و نویسندگان بزرگ نیز برای بیان مقصود و بهیمن بیشتر سخن خویش به امثال توسل جسته‌اند و عباراتی زیبا و دلنشین آورده و به این استعاره و لطیفی به رشته نظم کشیده‌اند.^۴

استفاده از امثال رایج به عنوان چاشنی سخن و زیبایی کلام را سه حکام بخشیدن به نیروی استدلال در نزد نویسندگان و گویندگان ادب فارسی - خواه در شعر در تمامی ادوار ادبی ایران - رایج بوده و در محاورات عادی نیز همواره به کار می‌رفته است.^۵

۱- همان.

۲- همان.

۳- همان.

۴- همان.

۵- همان.